

نگاه

نگاهی به مستند «رزم آرا، یک دوسیه مسکوت»

سایه‌روشن‌های یک ترور

اردوان وزیر

● حسام اسلامی، تهیه‌کننده مستند «رزم آرا، یک دوسیه مسکوت»، در مراسم رونمایی از این فیلم در موزه سینما به نکته فوق‌العاده مهمی اشاره کرد که اگرچه راه‌حلی برای آن متصور نیست، اما مشکلی جدی بر سر راه مستندسازی که تاریخ سیاسی معاصر ایران را دست‌مایه آثار خود قرار می‌دهند به شمار می‌رود. اسلامی با اشاره به فقدان منابع تصویری از رزم‌آرا گفت، ساخت مستند از شخصیتی که حتی یک فریم تصویر از او وجود ندارد «مصیبت» بزرگی است. حقیقت تلخی در این اظهارنظر نهفته است که نتیجه بلافاصل آن، ساخت و تولید مستندهایی می‌شود که از منظر ارجاع‌های تصویری همه‌شان شبیه هم هستند، چراکه از مصالح بصری به‌شدت محدود و درعین‌حال مشترکی بهره می‌گیرند و همین تصاویر تکراری در همه مستندها دیده می‌شوند. به همین جهت است که به‌عنوان مثال فرقی نمی‌کند به تماشای مستندی درباره قوام‌السلطنه، رضاشاه، رزم‌آرا، محمدرضاشاه، مصدق، کاشانی یا هر شخصیت تاریخی دیگری نشسته باشیم، چون عکس‌ها و فیلم‌های مشترکی خواهیم دید که با چند ترنند دم‌دستی تلاش می‌کنند جنبه‌های مختلف یک واقعه یا کاراکتر سیاسی تاریخ معاصر بازسازی کنند تا شاید از این رهگذر، تصویری از رویداد اصلی در ذهن مخاطب شکل بگیرد. اما احسان عمادی، کارگردان مستند جذاب «رزم‌آرا، یک دوسیه مسکوت»، در بند این محدودیت‌ها نمی‌ماند و با به‌کارگیری شیوه‌های خلاقانه، داستانی پرکشش از یکی از کلیدی‌ترین ترورهای سیاسی تاریخی معاصر ایران را روایت می‌کند که به اندازه یک تریلر جنایی/معمایی جذاب و کنجگویی پراکنیز است. نقطه عزیمت کارگردان که بر پایه تحقیقی همه‌جانبه‌نگر بنا شده، آشنایی‌زدایی از شخصیت‌های شناخته‌شده سیاسی هم‌عصر رزم‌آرا و نمایش چهره‌های کاملا متفاوت و «خاکستری» از آنها و همچنین بازخوانی نقش هر یک در ترور نخست‌وزیر وقت است. چالش اصلی فیلم نیز از همین تکرش متفاوت، تازه و بی‌سابقه سرچشمه می‌گیرد که همگام با پیشرفت روایت، زوایای پنهان و قبلاً بیان‌نشده‌ای از ماجرای ترور نخست‌وزیر را بر ملا می‌کند. شکی نیست که حذف فیزیکی رزم‌آرا مانند اتفاقات مشابه در اکثر نقاط جهان مولود شرایط سیاسی و ماحصل تصمیم‌گیری‌های پیچیده‌ای بود که به‌هرحال منافع عده‌ای را تأمین و در جبهه مقابل، منافع گروه دیگری را با خسارت مواجه می‌کرد. اما دست پست‌برده‌ای که درذهیات ماسه را جکاند و گلوله آتشین را بر سر و سینه نخست‌وزیر ن‌شاند از ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ تا همین امروز محل مناقشه مورخان بوده است. ماهیت پنهان و اسرارآمیز قتل‌های سیاسی، کندوکاو در علل و عوامل این ترورها را به‌طور تاریخی همواره با دشواری روبه‌رو کرده است؛ به‌عنوان مثال پس از قتل جان اف.کندی در ۱۹۶۳، جیم کریسون در مقام دادستان یکی از بخش‌های ایالت لوئیزیانا تلاش بی‌امانی برای معرفی، شناسایی و محاکمه عاملان ترور کندی به خرج داد و تا آخر عمر از آن نشست، اما به‌واسطه همین پنهان‌کاری‌های سیاسی هرگز به نتیجه مطلوب دست پیدا نکرد. در کتاب «از سیدضیا تا بختیار» در توصیف شرایط دوران نخست‌وزیری رزم‌آرا نوشته شده: «کسی را که غرب برای مقابله با این اوضاع نگران‌کننده پیدا کرد، همچون رضاشاه، چهره‌ای مردمی داشت. بعد از شهریور ۲۰ در سمت ریاست اداره جغرافیایی ارتش، رئیس دانشکده افسری، و سرانجام رئیس ستاد ارتش، به تمام مفاسد رژیم آگاه شده، شناسایی دقیقی از امکانات بالقوه مملکت به دست آورده بود. رزم‌آرا با کمک گروهی از تکنوکرات‌های کاردان برنامه دقیقی برای مبارزه با فساد و اصلاحات تهیه کرده بود». رابطه عاشقانه رزم‌آرا و اشرف پهلوی در قالب نامه‌ای که فیلم به آن اشاره می‌کند طنز نزدیک شدن وی به دربار و آگاهی نخست‌وزیر از «تمام مفاسد رژیم» را تقویت می‌کند. ... و فیلم به ما نشان می‌دهد مصدق در صحن مجلس آن‌قدر فریاد زد که از حال رفت. همین شمشیر دولبه بود که به قیمت جان نخست‌وزیر تمام شد. کارگردان با نمایش قطعاتی از این پازل پیچیده، گوشه‌هایی از این دو دیدگاه متضاد، اما نهایی‌تا هم‌راستا را در معرض دید بیننده قرار می‌دهد و با حفظ فاصله مناسب از موضوع، نتیجه‌گیری را به مخاطب واگذار می‌کند. سکانس‌های بازجویی از افراد مشکوک به دخالت در ترور، از جمله مصدق، کاشانی، اعضای فدائیان اسلام و بقیه که به شکل موشن‌گرافیک در فیلم گنجانده شده‌اند ضمن جبران فقدان مصالح بصری که در بالا اشاره شد، نکات مهم و مبهم ماجرا را از دید هر دو طرف شرح می‌دهد. اگر چه همان‌گونه که می‌توان انتظار داشت، هیچ‌یک از آنها مسئولیت دخالت در ترور را –لااقل به‌طور مستقیم– نمی‌پذیرند. اما روایت فیلم با ظرافتی هنرمندانه و بدون ملاحظه معمول، پای همه نقش‌افزینان را وسط می‌کشد و از هر دو سو به ماجرا می‌نگرد. استفاده از فایل صوتی صحبت‌های برخی از اعضای کابینه و مسئولان دولت رزم‌آرا نیز از جمله تمهیداتی است که هم جنبه استناد تاریخی فیلم را تقویت می‌کند و هم برخی از خصائص فردی رزم‌آرا را که در ابتدای فیلم دیده بودیم ملموس‌تر می‌کند. رزم‌آرا که در اثر یک اتفاق نظر نانوشته بین بازیگران اصلی عرصه سیاسی کشور به قتل رسید شاید می‌توانست تغییری در اوضاع آشفته ایران ایجاد کند و این مستند از بیان جنبه‌های پیدا و پنهان ترور او فروگذار نمی‌کند.



فرانک آرتا

چندی پیش منیژه حکمت به مناسبت اکران فیلم «جاده قدیم» به نحوه اکران فیلمش در سینماها از خود واکنش نشان داد. در این مسیر به مسائل مهمی همچون مافیای اکران و همین‌طور پول‌شویی در سینما واکنش نشان داد که در گفت‌وگو با مامطرش کرد.به همین دلیل خواندن حرف‌هایش خالی از لطف نیست.

● تحلیلتان از وضعیت اکران در سینما چیست؟ خوشحالم که به این بحث کلان توجه کرده‌اید، چون خطری که الان احساس می‌شود، نابودی «سینمای اجتماعی» است که تاکنون نقش مرجع را در سینمای ایران بازی کرده، اما متأسفانه در سیاست‌گذاری‌ها، ساختار تعریف کرده‌اند تا یک سری پول‌های کثیف که باندهای خودشان را دارند وارد سینما شوند که حلقه پخش را در دست خود دارند. اگر هم قرار است فیلمی اجتماعی دیده بشود باید تحت کنترل آنها باشد! یعنی موقعیتی به‌مراتب بدتر از دوره مک‌کارتیسم!

● یعنی می‌توان گفت با این نگاه، سینمای اجتماعی را به سمت سینمای ایت‌سوق می‌دهند؟ بله. از نظر مالی به طور هوشمندانه، سینما را به سمت‌وسویی سوق می‌دهند تا سینماگران مستقل و فیلم‌سازان مؤلف را ضعیف کنند؛ یعنی در سازوکار تولید، پخش و اکران، نوع چیدمان فیلم‌ها و نوع پروانه‌ها و ... مجموعه‌ای تشکیل داده‌اند که درکل ۱۵۰۱ نفر هستند که برای کل سینما تصمیم می‌گیرند.

● کا ظاهر این افراد فقط در پست‌های مدیریتی جابه‌جا می‌شوند، اما هیچ‌گاه تغییر نمی‌کنند یا کنار گذاشته نمی‌شوند. به نظر شما مرکز ثقل این مجموعه کجاست؟

در شورای صنفی که البته در سیاست‌گذاری ارشاد هم دخیل هستند و آدم‌های خودشان را هم دارند که تحت امرشان پیش می‌روند و اتفاقاً تاکنون موفق هم بوده‌اند. کسانی که صدای اعتراضشان بلند شود سرزشتی بر سرشان می‌آید همان‌طور که در مورد من اتفاق افتاد، اما متأسفانه امثال ما جزایر تک‌تکی هستیم که نمی‌گذارند صدایمان شنیده شود. درحالی‌که وظیفه تمام فیلم‌سازان مستقل و اجتماعی این است که یکپارچه بشوند، چون بعداً به تاریخ بدهکار می‌شوند و آیندگان از ما خواهند پرسید که شما در آن دوران چه کردید؟ وقتی که ابتدال از لحاظ مالی و ساختاری همه‌گیر شود، ریشه‌کن‌کردن آن زمان‌بر است، چون ما نه امکانات مالی داریم و نه وارد این باندها می‌شویم! اگر هم اعتراض کنیم و واکنش نشان ندهیم، این بدهکاری ما به تاریخ نسیم می‌شود!

● آظاها به نظر می‌رسد که هدفشان فقط انتفاع مالی است. نظرتان چیست؟

کاش فقط سود مالی بود. سود مالی بخشی از آن است! اما آنها در اتاق فکرشان می‌خواهند سینما را ایت‌کنند. درحالی‌که وقتی «فیلم اجتماعی» را به‌بهترین شکل خود در معرض دید عموم قرار گیرد، طبعاً با طرح معضلات اجتماعی باب بحث را باز می‌کند. در نتیجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ورود پیدا می‌کنند، اما آنها می‌خواهند این چیزها وجود نداشته باشد.

● البته پیش‌تر در سال‌هایی در ریاست‌گذاری‌ها شاهد بودیم مسئولان سینما از بالا دستور می‌دادند که یک‌سری فیلم‌ها ساخته شود و مردم هم ناچار به دیدن این نوع فیلم‌ها بودند. حالا هم می‌گویند که مردم دنبال فیلم‌های سرگرمی‌ساز پرفروش هستند که در هر صورت افراط و تفریط است! نظرتان چیست؟ اتفاقاً باید بگویم من فیلم‌های کم‌دی پرفروشی مثل «ورود آقایان ممنوع»، «پوپ و مش ماشالله» و «شهر موش‌ها ۲» را ساخته‌ام، اما زنگ خطر من از جایی صدا می‌کند که یک عده بر اساس منافع مالی دور هم جمع می‌شوند و می‌گویند فلان کارها را بکنیم. من فکر می‌کنم سیستماتیک است و به شکل دستوری تزریق می‌شود که فلان کار را باید انجام دهیم. این نوع سیاست‌گذاری جامع و مانع نیست و در اصل در جهت نفی یک نوع سینماست؛ سینمایی که اتفاقاً تأثیرگذار است!

● در دوره‌هایی که اعتراضاتی از سوی تهیه‌کنندگان و سینماگران صورت می‌گرفت، وقتی متوایل سینما با این نوع اعتراض مواجه می‌شدند چون کافی از نوع رعایت‌نکردن آن قائل آن‌ها گرفته می‌شد مجبور می‌شدند آن را حل کنند، اما حالا شرایط به سمتی رفته که آنها در ظاهر امر کار غیرقانونی نمی‌کنند، اما وقتی دقیق‌تر به آن می‌نگرید می‌بینید راه‌های دورزدن را درنور دیده‌اند؛ به‌طورمثال به اسم جوان‌گرایی، عملاً به جوانانی خوشفکر و صاحب‌سبک که حرف‌شنوی ندارند، اجازه رشد و دیده‌شدن نمی‌دهند! با این قضیه چه باید کرد؟ افکاری که دچار انجماد فکری شده‌اند همیشه برای توجیه عملکردشان سایه‌هایی درست می‌کنند که خب اینها دیگر خنده‌دار و شوخی است. بعد از این‌همه تجربه همه ما می‌دانیم چه بلایی دارد بر سرمان می‌آید. منتها می‌دانم به چه زبانی باید این را به رسانه‌ها بگویم. به نکته مهمی اشاره کردید. یعنی در جایگاهی هستند که دارند با پول افراد زیادی را می‌خرند. درعین‌حال هم نمی‌توانیم منکر شرایط بد اقتصادی شویم. معلوم است که هرکس چه قیمتی دارد، نابراین از رسانه و سینمادار تا بقیه را می‌خرند چون پول دارند و می‌گویند ما موفق هستیم و ما می‌توانیم.

● برای رفع این معضل چه باید کرد؟

گفت‌وگو با منیژه حکمت، کارگردان «جاده قدیم»

این پول‌ها از کجا آمده؟!



فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا

فرانک آرتا